

# علم أصول الفقه

٢٠-١٢-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٦١

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

# ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ب. خاتمیت دین
- خاتمیت دین (نه تمام ادیان به طور مطلق) اقتضا می‌کند که امام بعد از نبی، در جامعه حضور داشته باشد.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- قبلاً به طور مفصل بیان کردیم که دین خاتم از دو ویژگی برخوردار است:
- ۱. **کامل** است (یعنی هر آنچه باید از طریق وحی دریافت شود، در این دین وجود دارد)،
- ۲. **مصون از تحریف** است.

# ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- مصونیت از تحریف نتیجه‌ی دو عامل است:

- ۱. وجود منبعی مصون از تحریف (قرآن)

- ۲. وجود روشی معیار و استاندارد برای فهم دین که توسط اهل بیت علیهم السلام تحقق یافته است.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- مصونیت منبع وحی از تحریف برای مصونیت دین از تحریف کافی نیست.
- چه بسا ممکن است به دلیل مرور ایام و جدا شدن پیروان دین از زمان وحی، روش فهم دین از یاد برود و در نتیجه آنچه از منبع به دست می‌آید، با آموزه‌های اصلی دین یکسان نباشد.
- وجود یک روش فهم صحیح می‌تواند مانع پدید آمدن تحریف در دین باشد؛ روشی که یک محقق منصف با استفاده از آن و با مراجعه به منابع دین و از طرق متعارف بتواند به حقایق دین دست یابد.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- بنابراین علت این که در کتب روایی و کلامی، ائمه علیهم السلام به عنوان مفسران واقعی قرآن معرفی شده‌اند و علت این که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی» این است که آموزه‌های دین از دست تحریف دور بماند.
- دین با قرآن و عترت حفظ می‌شود، قرآن بدون عترت کامل نیست، همچنان که عترت بدون قرآن نیز کامل نیست. این دو همواره با هم هستند و هرگز از هم جدا نمی‌شوند: «لم یفترقا حتی یردا علی الحوض».

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- تفسیر ائمه علیهم السلام، مستند به دانشی است که از طرق عادی و متعارف پیدا نشده است. آنها همان علمی را به قرآن دارند که پیامبر دارد و به عبارت دقیق‌تر علم ائمه علیهم السلام، به وساطت نبی خاتم است. آنها هم محتوای قرآن را شرح و تفسیر کرده‌اند و هم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم راه دستیابی به مفاهیم قرآنی و استنباط احکام را به اصحاب و پیروان خود آموخته‌اند. آنها نیز به نوبه‌ی خود همواره در طول حیات اسلام، این روش معیار را به کار گرفته و روش‌های دیگر را با این روش محک زده و سنجیده‌اند.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- ضرورت وجود یک روش معیار برای فهم قرآن که مستند به دانش بشری نباشد و گرفتار خطا نشود، ضرورت امامت را بعد از نبوت در دیانت خاتم اقتضا می‌کند.
- ما در دین خاتم شاهد امامان علیهم السلام هستیم در حالی که ممکن است در ادیان دیگر چنین سلسله‌ای وجود نداشته باشد.
- دلیل آن، خصوصیت دین خاتم است. اگر دین خاتم، ختم ادیان است، باید مصون از تحریف باشد. ختم دین بدون امام تحقق نمی‌یابد.



## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- از آن سو، وقتی به داستان امامت نگاه می‌کنیم، شاهد ماجرای اتفاقی و بدون حکمت نیستیم. در تقدیر الهی از همان ابتدا، سلسله‌ی امامت با دوازده اختر تابناک شکل گرفته که هر یک باید در تحقق این غرض الهی نقشی ایفا کند.

# ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- از قدرت خداوند خارج نبوده که هر یک از امامان دیگر را همچون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه در پرده‌ی غیبت حفظ نماید، اما حکمت ضرورت مصونیت دین، اقتضا می‌کرد نزدیک به سیصد سال، افرادی با برخورداری از علم نبی، شیوه‌ی صحیح تفسیر را به مردم بیاموزند و آن را در امت اسلامی نهادینه کنند.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- از این رو، در واقع اسلام بیشتر از یک مذهب و یک مکتب حق نیست، (مکتب اهل بیت علیهم السلام). سایر مذاهب به هر اندازه به این مکتب نزدیک-تر باشند، از حقانیت برخوردارند.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- همان طور که به شهادت تاریخ تمام مذاهب اسلامی - لاقلاً مذاهب شناخته شده و معروف مثل حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی - تحت تأثیر مکتب اهل بیت علیهم السلام شکل گرفته و رونق یافته‌اند.
- مالک، احمد بن حنبل، ابوحنیفه و شافعی در فرهنگ سنی، به منزله‌ی مراجع تقلید در فرهنگ شیعی هستند که اجتهاد خویش را مدیون امامان معصوم علیهم السلام هستند، هرچند کاملاً از آنها تبعیت نکردند و خیلی وقت‌ها از مکتب حق فاصله گرفته‌اند.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- بدیهی است پاسخ دوم به خلاف پاسخ اول که همه‌ی ادیان را در بر می‌گرفت، فقط اختصاص به دین خاتم دارد. اقتضای پاسخ اول، وجود یک ولایت عامه و تکوینی در همه‌ی زمان‌هاست، در حالی که بیان دوم به دینی اختصاص دارد که باید از تحریف مصون بماند.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- حال اگر بر طبق پاسخ دوم پذیرفتیم که ائمه علیهم السلام امتداد نبوت هستند، همان نکته‌ای که عصمت را برای نبی واجب می‌نمود، عصمت ائمه علیهم السلام را نیز اقتضا می‌کند. در آنجا می‌گفتیم: خداوند می‌خواهد پیامی را به مردم برساند و برای رساندن این پیام باید از طریق مصون از خطا و از آدم‌های معصوم از خطا و عصیان و نسیان استفاده کند.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- در نتیجه باید کسی را به پیامبری برگزیند که در دریافت و ابلاغ وحی معصوم باشد. این استدلال با اندک تغییری در مورد ائمه علیهم السلام نیز قابل تطبیق است: در دیانت خاتم ضرورت دارد بعد از پیامبر، کسانی با همان علم (علمی مصون از خطا) به تفسیر آنچه پیامبر آورده، اقدام کنند و آن را برای امت بیان نمایند. بنابراین خدا باید کسی را برای این مقام برگزیند که در دریافت این علم الهی و رساندن آن به مردم معصوم باشد.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- یقیناً آن تلازم عقلایی یا عقلی (تلازم بین عصمت در بعضی شؤون و عصمت در سایر شؤون) در مورد ائمه علیهم السلام، نیز قابل تطبیق است. کسی که در دریافت و و ابلاغ علم الهی معصوم است، بنا بر استدلال متکلمان، لا اقل باید در آنچه برای مردم آشکار است، معصوم باشد و بنا بر استدلال فلاسفه، به مرتبه‌ای می‌رسد که نمی‌تواند در سایر امور زندگی خویش معصوم نباشد.



## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- در انتها باید بر این نکته تأکید ورزیم که دو پاسخ مذکور در ابتدای این بحث، اگرچه می‌توانند دو دلیل مستقل با مقتضیات و رویکردهای متفاوت باشند، اما با هم تنافی ندارند. در پاسخ اول جایگاه تکوینی امام مورد تأیید قرار می‌گیرد - حجت، واسطه‌ی فیض الهی است که یک مقام و منزلت تکوینی به شمار می‌آید - و در پاسخ دوم مقام علمی امام، محور اصلی است. اما در یک نگاه دقیق هر دو به یک چیز بازگشت می‌کنند: کسی که به آن قله از وجود می‌رسد، از یک سو، واسطه‌ی فیض الهی است و از سوی دیگر از چنین شأن علمی برخوردار می‌باشد.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- . ربك: كليني، اصول کافی، ج ۱، صص ۱۳۶ - ۱۳۷، باب أن الارض لا تخلو من حجة.
- . مائده، ۱۹.

## ضرورت عصمت در پرتو شأن علمی

- همانند آنچه فرق تأویلی به قرآن نسبت می‌دهند. برخی فرقه‌های صوفی (علی‌اللهی‌ها) که در عراق و سوریه و ترکیه و ایران و بخشی از اروپا زندگی می‌کنند، اعتقادی شبیه به اعتقاد مسیحیان نسبت به حضرت علی علیه السلام دارند. یعنی علی علیه السلام، را خدا می‌دانند که از آسمان به زمین آمده و چهره‌ای بشری یافته است. این گروه قایل به تحریف قرآن هستند. البته اگر تحریف را هم ادعا نکنند، تمام آیات قرآن را رمز و اشاره می‌شمارند و آنها را به تأویل می‌برند.
- قبلاً گفتیم که تحریف، انسداد باب فهم صحیح دین است نه اشتباه در فهم دین که همواره در بین پیروان یک دین اتفاق می‌افتد. مادامی که راه به دست آوردن حقایق دین برای هر انسان محققى باز باشد، این دین گرفتار تحریف نیست.
- این مطلب را آیت الله حسن زاده‌ی آملی می‌فرمود.